

ضرورت تغییر نگاه به مسائل اقتصادی کشور

جای تأسف است که به جای بهره‌گیری از این موهبت، با موضوع‌گیری‌های تند و برچسب‌زنی‌های ناشایست به منتقدان، راه را بر هرگونه نقد منصفانه می‌بندیم و آینده کشور را فدای تعصب می‌کنیم. سال‌هاست که با به‌کارگیری سیاست‌های پیشنهادی خط فکری رسوم در قالب تعدیل ساختاری، شوک‌درمانی و نظایر آن و بدون توجه به بسترهای اولیه برای تحقق دستاوردهای مثبت این‌گونه سیاست‌ها، جامعه با بحران‌های کوچک و بزرگ مواجه شده است و با وجود نقدهای بی‌درپی و هشدارهای داده‌شده از سوی دانشگاهیان، شاهد بازبینی در سیاست‌ها یا پاسخ منطقی به نقدهای واردشده، نبوده‌ایم و سکوت در برابر انتقادات، بهترین راهکار برای تصمیم‌سازان اقتصادی بوده است. در بخشی از یادداشت «دنیا سال‌هاست از فرشاد گذر کرده»، به عدم بهره‌گیری از ریاضیات از سوی منتقدان اشاره شده است. از جنبه روش‌شناختی، مدل‌های ریاضی، شکل ساده‌شده نظریه‌ها هستند. بنابراین با تقدم پایه نظری نسبت به مدل‌ها روبه‌رو هستیم و اگر بدون اتکا به پایه نظری صرفاً با مدل‌ها کار کنیم، کمکی به فهم واقعیت نمی‌کند. دنی رودریک در کتاب ارزشمند خود با عنوان «قوانین اقتصادی» که به‌تازگی ترجمه شده است، به محدودیت‌های مدل‌ها برای فهم واقعیات اقتصادی می‌پردازد. وی در این کتاب به سه اشکال اساسی درباره مدل‌های ریاضی اشاره می‌کند. از نگاه رودریک، اشکال اول مدل‌ها، مسئله آزمون‌پذیری است. وی اشاره می‌کند که بسیاری از مدل‌هایی که اقتصاددانان به کار می‌گیرند، آزمون‌پذیر نیستند. مشکل دوم آن است که در بسیاری موارد با استفاده از پایه‌های آماری واحد، یافته‌های مدل‌های متفاوت با تناقضات فاحش روبه‌رو هستند. وی تصریح می‌کند که رشته اقتصاد مملو از مدل‌هایی است که در یک دوره زمانی معین و مبتنی بر داده‌های یکسان، نتایج کاملاً متناقض نشان می‌دهد. مشکل سومی که وی درباره مدل‌ها ارائه می‌کند، بحث تغییرات پرتلاطم است که در این بستر مدل‌ها دربرگیر می‌شوند. وی تصریح می‌کند که با توجه به شتاب تغییرات، آزمون اعتبار علمی مدل‌ها با چالش روبه‌رو می‌شود. علاوه بر تقدم پایه نظری نسبت به مدل‌ها و اشکالات برشمرده، باید توجه داشت که استفاده از الگوهای ریاضی و سنجی در اقتصاد زمانی می‌تواند مفید واقع شود که قدرت تبیین و پیش‌بینی بالایی داشته باشد. ریاضیات ابزاری در خدمت علم اقتصاد است و نه بیشتر. ازاین‌رو در بهره‌گیری از اقتصادسنجی و مدل‌های ریاضی باید توجه داشت که الگوهای ریاضی بر اساس ساده‌سازی بنا شده و احتمال اینکه بسیاری از متغیرهای اساسی در آن کنار گذاشته شوند، وجود دارد. همچنین میزان مطابقت الگوها با واقعیات، با میزان صحت فرض، ارتباط تنگاتنگ دارد. اساس استفاده از این الگوها نیز نظام آماری قوی و کارآمد است که در صورت نبود آن، می‌تواند کارکرد مدل‌های ریاضی را تضعیف کند. ازاین‌رو اتکای صرف به مدل‌های ساده‌شده ریاضی برای توضیح رفتارهای پیچیده انسانی، یک خطای راهبردی است و لازم است در کنار مدل‌های ریاضی، رجوع به شواهد تاریخی و درنظرگرفتن بسترها و الزامات اولیه تحقق پیش‌بینی‌های این مدل‌ها را نیز در نظر گرفت. الگوهای ریاضی زمانی‌که قدرت تبیینی نداشته باشند، کارکرد اصلی خود را از دست می‌دهند که شاید یکی از دلایل شکست سیاست‌های اقتصادی در کشورمان نیز به این مسئله برمی‌گردد. در بخش دیگری از این یادداشت، به انگیزه‌ها در اقتصاد اشاره شده است و اینکه منتقدان خط فکری رایج، انگیزه‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند. لازم به ذکر است که منتقدان اصلی روبریکدر غالب که به طیف نهادگرا معروف هستند، همه تحلیل‌های خود او بر پایه سیستم انگیزشی و چارچوب نهادی استوار کرده‌اند و راهکارهایی هم برای علاج اقتصاد ایران ارائه می‌کنند، اصلاح سیستم انگیزشی و پاداش‌دهی در اقتصاد است. ازاین‌رو چنین ادعایی از سوی نگارنده یادداشت مذکور، عدم اشراف به بحث‌های منتقدان را به‌وضوح نمایان می‌کند. در پایان باید ذکر این نکته باعث دلگرمی باشد که نگاه ایدئولوژیک به علم اقتصاد و موضع‌گیری در برابر انتقادات فقط منحصر به کشور ما نیست.

استیکلیتز، اقتصاددان شهیر نوبلیست که در سمت‌های مشاور رئیس‌جمهور و سراققتصاددان و مشاور ارشد بانک جهانی در سال ۱۹۹۷ فعالیت داشته است، در کتاب خود با عنوان «جهانی‌سازی و مسائل آن»، از تجربه خود در عرصه سیاست‌گذاری در بانک جهانی و کاخ سفید این‌گونه می‌نویسد که «در دوره‌ای که عضو و سپس رئیس شورای مشاوران اقتصادی کاخ سفید بودم و نیز در بانک جهانی، می‌دیدم که غالباً تصمیمات به ایدئولوژی و یا سیاست آلوده‌اند. در نتیجه اقدامات خط‌آمیز بسیاری صورت می‌گرفت، اقداماتی که به حل مشکل موجود کمکی نمی‌کرد ولی در خدمت منافع یا باورهای صاحبان قدرت بود... وقتی یا به عرصه بین‌الملل گذاشتم، متوجه شدم که تصمیمات بر پایه آنچه به نظر می‌رسید معجونی از ایدئولوژی و اقتصاد نادرست است، اتخاذ می‌شود. تعصبانی که بعضاً بر منافع گروه‌های خاصی پرده کشیده بود». وی معتقد است که «باید مسائل را با دیدی بی‌طرفانه نگاه کرد و ایدئولوژی را به کناری گذاشت و برای تصمیم‌گیری برای اینکه بهترین اقدام چه می‌تواند باشد، به شواهد و قرآن رجوع کرد».

ارمغان جوادنیا؛ «پول نفت همه را مثل کشورهای عربی تبیل کرده». سیدکمال سیدعلی، مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات ایران به عملکرد دولت‌ها نسبت به هزینه‌کرد درآمدهای نفتی انتقاد کرد. او در گفت‌وگو با «شرق» با تأکید بر اینکه هیچ‌کس با پول نفت نمی‌تواند اشتغال ایجاد کند، صراحتاً گفته است که پول نفت در کشور ما در عین اینکه یک نعمت است یک آسیب هم هست چراکه تصمیم‌گیری‌های دولتی بر اساس درآمدهای نفتی دولت‌ها را تبیل کرده است. از گذشته تا امروز دولت‌ها فکر می‌کردند که با فروش نفت و واردات می‌توانند تولید و اشتغال را رونق دهند درحالی‌که کشور با تولید بهتر و صادرات بیشتر جلو می‌رود نه فروش نفت و واردات. او در این گفت‌وگو با اشاره به سیاست‌های نادرست دولت‌ها این توضیح را هم می‌دهد که فرهنگ پول نفت طبقه‌بندی خاصی را در کشور ایجاد کرده است. سیدعلی همچنین در این گفت‌وگو اشاره‌ای هم به وظایف صندوق ضمانت صادرات ایران کرد و از راه‌های گسترش صادرات در اقتصاد کشور سخن گفت که مشروح آن را می‌خوانید:

پس از تمام فراز و فرودهایی که در بخش بانکی کشور داشتید، صندوق ضمانت صادرات گزینه مناسبی برای شما بود؟

پرتقوی من در سال ۸۸ سه‌میلیارد ۲۰۰ میلیون دلار بود. به صندوق ضمانت صادرات که آمدم، پرتقوی اینجا ۱۵۰ میلیون دلار بود. یعنی عملکرد من در سال ۸۸ بیش از ۳۰ تا ۴۰ برابر شده بود. سال ۹۳، پرتقوی صندوق دومرتبه، ۷۰۰ میلیون دلار شده بود. هر کس این را می‌دید، متوجه می‌شد. آقای نعمت‌زاده وزیر سابق صنعت، معدن و تجارت هیچ ارتباطی با من نداشتند اما دیده بودند که نمودار صندوق از ۱۵۰ میلیون دلار در سال ۸۸ رسیده و در سال‌های ۹۳ و ۹۴ به ۷۰۰ میلیارد دلار برگشته است. اکنون هم در دو سال به یک‌میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار رسیده است.

وظیفه اصلی صندوق ضمانت صادرات ایران چیست؟

وقتی می‌خواهیم راجع به صندوق ضمانت صادرات صحبت کنیم، باید ببینیم وظیفه اصلی صندوق در دنیا چطور تعریف شده و مؤسسات مشابه ما در دنیا چه می‌کنند و ما چه الگویی از آنها برداشتیم. علی‌الاصول کشورهای که تولیداتشان زیاد است اما جمعیت کمی دارند، برای پیشرفت کشورشان یک راه‌حل دارند و آن این است که جنس را به خارج از کشور بفرستند یا صادرات انجام دهند. این مؤسسات صد سال پیش در دنیا تأسیس شدند و پوشش ریسک صادراتکنندگان را انجام می‌دهند تا صادرات در خارج از کشور انجام شود. برخی دیگر نیز تأمین مالی هم می‌کنند یا اینکه صادرکننده نسبه می‌فروشند و پولشان را به صورت نقدی به صادرکننده می‌دهند و خودشان طلبکار طرف خارجی می‌شوند. بنابراین دو بال تأمین مالی و پوشش ریسک فرضیات اولیه این‌گونه دستگاه‌ها گسترش صادرات است. مؤسساتی مثل مرس و ساچه وظیفه‌شان همین است. به‌همین دلیل همه آنها دولتی هستند.

چرا این مؤسسات دولتی هستند؟ یعنی بخش خصوصی توانایی انجام کارهایی را که دولتی‌ها می‌کنند، ندارد؟ یا علت دیگری دارد؟

برای اینکه بخش خصوصی امکان انجام پروژه‌های بزرگ و صادرات را ندارد، بنابراین این مؤسسات را دولت‌ها برای تأمین مالی و پوشش ریسک تأسیس کردند تا صادرات در حد مطلوب آن کشور انجام شود و صادرکننده بخش خصوصی و دولتی نگران دریافت پول خود نباشد. اما در ایران وقتی به آمار صادرات نگاه می‌کنیم، از سال‌های ۵۰ تا ۶۹ بین سه تا ۹ درصد تجارت خارجی ما را صادرات تشکیل می‌داد. اعداد این‌قدر کوچک بود که حتی توجهی به تثبیت نرخ ارز

سناریوی «گرانی بنزین» برای کاهش تلفات جاده‌ای

دبیر کمیسیون ایمنی راه‌های کشور از سناریوی «گرانی بنزین» برای کاهش تلفات جاده‌ای خبر داد و گفت: پیشنهاد سرعت ۱ کیلومتری در جاده‌های برون‌شهری هنوز به کمیسیون ایمنی راه‌های کشور نرسیده است. به گزارش تسنیم، مهرداد تقی‌زاده افزود: این پیشنهاد، یکی از راهکارهای کاهش تلفات جاده‌ای است و باید در کمیسیون ایمنی راه‌ها که شامل حدود ۲۰ دستگاه اجرایی و سازمان‌های مطهر و به تصویب برسد. معاون حمل‌ونقل وزارت راه و شهرسازی افزود: در کمیسیون ایمنی، نظرات مختلفی برای کاهش تلفات جاده‌ای وجود دارد که این یکی از نظرات است اما عده دیگری از اعضا، معتقدند افزایش دقت دوربین‌های کنترل سرعت می‌تواند مؤثرتر باشد. او افزود: یکی از دلایل بالا بودن نرخ تلفات جاده‌ای در ایران، خودرومحور بودن سفرهای بین‌جاده‌ای است که خود آن نیز ناشی از ارزان بودن قیمت سوخت و بی‌رغبتی برای استفاده از حمل‌ونقل ریلی و عمومی است.معاون وزیر راه و شهرسازی میزان تلفات جاده‌ای در سال گذشته را ۱۵۱ هزار و ۹۰۰ نفر اعلام کرد و گفت: برای کاهش

سیدکمال سیدعلی، مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات ایران در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد:

ظهور طبقه خاص با پول نفت

اشتغال‌زایی با پول نفت ممکن نیست



عکس: رونق رستمی، شرق

هم نمی‌شد. به‌عنوان مثال در دوران جنگ آن هم با پیمان‌های ارزی سالانه ۵۰۰ میلیون دلار صادرات داشتیم. ارسال کالا یکی از راه‌های خروج سرمایه در کشورهایی است که محدودیت ارزی دارند. برای همین هم صندوق ضمانت صادرات ایران در سال ۵۴ تشکیل شد و سه تا چهار سال فعالیت کرد. اما دومرتبه تعطیل شد و از سال ۷۴ مجدداً فعالیت خود را به کار گرفت. امروز هم به‌عنوان اولین مؤسسه بیمه اعتبار در کل منطقه خاورمیانه فعالیت می‌کند.

شما از وظایف اصلی صندوق ضمانت صادرات ایران گفتید و اینکه دو بال تأمین مالی و پوشش ریسک فرضیات اولیه این‌گونه دستگاه‌ها گسترش صادرات است. اما چه عواملی منجر به گسترش صادرات در کشور شد؟

برداشته‌شدن پیمان ارزی از موضوع صادرات در سال ۸۰ که با همکاری بانک مرکزی انجام شد و یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۸۱ ازجمله عواملی بودند که مقدمه‌ای برای گسترش صادرات در کشور شد.

شما عنوان کردید یکسان‌سازی نرخ ارز و برداشته‌شدن پیمان ارزی از روی صادرات مقدمه‌ای برای توسعه صادرات شد. یعنی تا قبل از انقلاب توسعه صادرات مغفول مانده بود؟

به‌نظر می‌رسد بعد از انقلاب تنها موضوعی که در مملکت پیشرفت چشمگیری داشته، بحث صادرات است. به‌این‌ترتیب که در دو سال گذشته تراز تجاری بدون نفت مثبت بوده است اما سال ۸۰ سه میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشتیم. کل صادرات نفت هم ۲۲ میلیارد دلار بود. بنابراین صادرات ۴۰ میلیارددلاری در سال‌های ۹۴ و ۹۵ نشان می‌دهد که توجه به امر صادرات شده و بر تولید صادراتی سرمایه‌گذاری شده است.

با توجه به مواردی که بیان کردید، فکر می‌کنید توجه به صادرات چه تأثیرات مثبتی بر اقتصاد کشور خواهد داشت؟

به‌رحال اگر روند افزایش صادراتی را حفظ کنیم، در آینده وابستگی به نفت کم می‌شود. اگر توانیم واردات کشور را از ارز صادرات انجام دهیم و پایایی کنیم یعنی از ارز نفتی برای واردات استفاده نکنیم و بیشتر از ارز حاصل از صادرات غیرنفتی استفاده کنیم، در تولید و اشتغال موفق می‌شویم.

منظور این است که وابستگی به نفت و پول نفت در دولت گذشته موجب شد تولید زیر گین شود و شغلی در کشور ایجاد نشود؟

همه می‌دانند هیچ‌کس با پول نفت نمی‌تواند اشتغال ایجاد کند. پول نفت در کشور ما درعین اینکه یک نعمت است یک آسیب هم هست. دولت را تبیل می‌کند و تصمیم‌گیری‌ها بر اساس درآمد نفتی تنظیم می‌شود. دولت کوچک نمی‌شود. درمجموع فعالیت کشور با تولید بهتر و صادرات بیشتر جلو می‌رود نه اینکه صرفاً در خارج از کشور نفت بفروشیم و واردات انجام دهیم. این کار مردم را مثل کشورهای عربی تبیل می‌کند.

به همه مردم که همگی مشکلات زیادی در کشور ایجاد کرد. امروز سرمایه‌گذاری در کشور خیلی آسیب دیده است. در بحث سرمایه‌گذاری خارجی ملاحظاتی داریم. در داخل هم کسی سرمایه‌گذاری نمی‌کند چراکه امنیت و سودآوری در بلندمدت نمی‌بیند. پایین نگه‌داشتن نرخ ارز خوب است (یعنی تقویت پول ملی) اما اگر تولید خوب باشد پول ملی هم تقویت می‌شود.

سرمایه صندوق ضمانت صادرات ایران اکنون چقدر است؟

نزدیک ۴۰۰ میلیون دلار سرمایه صندوق است که با نرخ‌های مصوب بانک مرکزی می‌شود هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان.

آیا این میزان جواب‌گوست؟

از آنجا که دستگاه دولتی هستیم و نسبت به میزان پرتقوی و تعهدی که داده‌ایم، فعلاً مشکلی از لحاظ سرمایه نداریم و سرمایه نسبت به پرتقویمان کفایت می‌کند. این در حالی است که ۱۰ برابر سرمایه‌مان می‌توانیم تعهد ایجاد کنیم اما هنوز به این مرز نرسیده‌ایم.

با چه کشورهایی موافقت‌نامه امضا کردید؟

در دو سال گذشته نزدیک به ۳۰ موافقت‌نامه با کشورهای عمان، روسیه، کره جنوبی و سایر کشورهای اروپایی امضا کرده‌ایم.

بازار هدف شما چه کشورهایی است و در چه بخش‌هایی فعالیت می‌کنید؟

بازارهای هدف ما بازارهای منطقه مثل عراق، افغانستان و کشورهای اروپایی، چین، هند و کره است که مشتری پرتوشیمی و سنگ‌آهن ما هستند. در کشورهای آفریقایی و آمریکای جنوبی بیشتر در خدمات فنی-مهندسی و ایجاد پروژه کار می‌کنیم. در کوبا نزدیک ۸۰۰ میلیون دلار کار کردیم. پروژه بزرگ ۴۵۰ میلیون‌دلاری برق‌سانی سریلانکا را انجام دادیم. در ارمنستان هم صد میلیون دلار پروژه خط انتقال برق داریم. یکی، دو کشور هم به حسابی کردند که باید بیشتر به آنها توجه کنیم.

ایسن به‌حسابانی که از آنها نام بردید، چه کشورهایی هستند؟

کشور تاجیکستان اقساط خود را بازپرداخت نکرده است اما گفته اقساط خود را در بلندمدت پرداخت می‌کند. برای کشور جیبوتی هم با هزینه‌ای بالغ بر ۱۵ میلیون دلار پارلمان ساختم که هنوز تسویه نکرده است.

پاسداری از روز حسابدار



غلامحسین دواتی
عضو شورای عالی انجمن
حسابداران خیره ایران

● بنا بر پیشنهاد فدراسیون بین‌المللی حسابداران جهان (IFAC) همه‌ساله دوم تا هشتم دسامبر (۱۱ آذر) به‌عنوان هفته حسابدار اعلام شده که در ایران از سال ۱۳۸۶ همه‌ساله در قالب گردهمایی، پانزدهم آذر به‌عنوان روز حسابدار اعلام و جشن‌های حرفه‌ای در قالب گردهمایی، همایش و... در سراسر کشور از سوی حسابداران برگزار می‌شود. ۴۶۰ هزار دانشجوی حسابداری، دوهزار و ۲۰۰ حسابدار رسمی و بیش از ۱/۵ میلیون شاغل در رشته حسابداری و تعدد نهادهای حرفه حسابداری نشان از وضعیت ممتاز رشته حسابداری در کشور به شمار می‌رود. عضویت جامعه حسابداران رسمی ایران و انجمن حسابداران خیره ایران به‌عنوان ۱/۵ دو نهاد حرفه در فدراسیون بین‌المللی حسابداران نیز شأن و مرتبت حرفه را بشسبم بایفا می‌کنند. حضور حسابداران ارشد کشور در مراکز تصمیم‌سازی‌ها و نظرات مشورتی آنان در فرآیند قانون‌گذاری‌های مالی – مالیاتی بر کسی پوشیده نیست؛ بنابراین بی‌توجهی به این مهم جای بسی تأسف دارد. این هفته در سراسر کشور شاهد همایش‌های خاص به مناسبت روز حسابدار خواهیم بود که لازم است حسابداران کشور این همایش‌ها را به مظهر اراده ملت در شفاف‌سازی و حساب‌دهی تبدیل کنند. جـا دارد از بنیان‌گذاران و استادان پیش‌کسوت حرفه مانند زنده‌یادان حسن سجادی‌نژاد، اسماعیل عرفانی، دکتر عزیز نبوی، دکتر علی وثوق، دکتر علی اصغر آموخته و نسل وارسته بعدی آنان دکتر علی تقفی، نظام‌الدین ملک‌آرانی، عزیز عالیور و عباس ارباب‌سلیمانی و ده‌ها استاد گران‌قدری که با آثار نوشتاری خود چراغ حرفه را روشن نگه داشته‌اند، قدردانی کنیم و سپاسگزارشان باشیم. متأسفانه درحالی‌که روزهای مختلف باربط و بی‌ربطی در کشور نام‌گذاری شده است، مسئولان و نهادهای ذی‌ربط از نام‌گذاری رسمی ۱۵ آذر به‌عنوان روز حسابدار اجتناب کرده‌اند و عملاً حرفه حسابداری را که از ارکان پاسخ‌گویی و شفافیت است، نادیده گرفته‌اند.

۲۰ آبان تا ۲۰ آذر بمدت یک ماه

نیاوران ، بعد از چهارراه کامرانیه ، مرکز خرید نازون

naroon.shopping.center